

اثر تخصیصی توزیع نقدی یارانه در فاز اول و لزوم تغییر رویکرد در فاز دوم

محمد رضایی پور، کارشناس اقتصادی

جهان صنعت

در حال حاضر با گذشت حدود دو سال از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها، مجموعه دولت بدنبال اجرای فاز دوم این طرح می باشد. صرف نظر از تحلیل کارشناسان مخالف اجرای فاز دوم طرح، بررسی محتوای اظهارنظر تحلیلگران موافق ادامه طرح نشان می دهد که اکثر این کارشناسان موفقیت طرح را مشروط به تصحیح مشکلات سیاست گذاری و رویه اجرایی فاز اول طرح می دانند. البته اصول علم مدیریت نیز چنین شرطی را لازمه موفقیت طرح می داند. چراکه تهیه بازخورد و تصحیح شرایط عملیاتی و مدیریتی در طرح های فاز بندی شده همواره منجر به تصحیح رویه های خطا و تقویت روشهای صحیح می شود. به این بهانه سعی کرده ام که در قالب این متن به یکی از تبعات منفی اجرای فاز اول اشاره نمایم که ممکن است در صورت عدم تصحیح در اجرای فاز دوم، لطمات نامناسبی در ساختار اقتصادی کشور ایجاد نماید.

بدیهی است که مهمترین رویکرد دولت در پروژه هدفمندی یارانه ها تحقق شعار عدالت محوری در توزیع یارانه ها مابین اقشار آسیب پذیر کشور بخصوص خانوارهای روستا نشین بوده است. چنین رویکردی علی رغم اهداف مثبتی که بلحاظ اثرات توزیعی در جامعه داشته است، اثر تخصیصی نامناسبی را نیز در الگوی مصرف و توزیع منابع جامعه ایجاد کرده است.

اعطای یارانه نقدی، رجحان خانوارهای روستایی برای انتخاب کالاها را تغییر داده و بدین لحاظ حجم تقاضا برای محصولات موجود در بازارهای کشور نیز تغییر کرده است. بطوریکه بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در آبان ماه سال جاری، متوسط هزینه غیر خوراکی خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۰ یعنی در سالی که یارانه نقدی در اختیار خانوارهای روستایی قرار گرفته است نسبت به سال ۱۳۸۹ از رشد ۲۰ درصدی برخوردار شده است. رشد مذکور برای خانوارهای شهری حدود ۱۴ درصد بوده است. لذا نرخ رشد مخارج غیر خوراکی خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۰ حدود ۶ درصد بیشتر از خانوارهای شهری بوده است. این درحالیست که رشد مذکور در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بطور متوسط برای خانوارهای روستایی حدود ۱۵ درصد و برای خانوارهای شهری حدود ۱۶

درصد بوده است. لذا این دوقشر بلحاظ رشد مخارج غیر خوراکی تا قبل از اجرای طرح هدفمندی تفاوت چندانی نداشته اند.

بررسی سبد خوراکی خانوارهای روستایی نیز حاکی است که اینگونه مخارج در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ از رشد ۲۶ درصدی برخوردار بوده است. در حالی که رشد مذکور در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بطور متوسط حدود ۱۳ درصد بوده است. بر اساس همین آمار، در سال ۱۳۹۰ هر خانوار روستایی بطور متوسط ۱۸۸۴۹ ریال بیشتر از یک خانوار شهری برای خوراکیها هزینه کرده است. در ضمن متوسط تعداد افراد خانوارهای شهری و روستایی نیز بترتیب ۴ و ۳.۷ نفر در سال ۱۳۹۰ بوده است و تفاوت نفری چندانی در این دو قشر مشاهده نمی شود.

تحلیل‌های فوق مبین این واقعیت میباشد که اعطای یارانه نقدی ضمن اینکه بلحاظ توزیعی اثرات مثبتی داشته است اما اثرات تخصیصی این طرح منجر به تغییر الگوی مصرفی خانوارهای روستایی شده است. بدین معنا که اگر خانوار روستایی تا قبل از هدفمندی یارانه ها مصرف سوسیس و کالباس و یا مبلمان و یا پوشاک برند خارجی و... را در سبد مصرفی خود نمی گنجانند. در حال حاضر این کالاها و خدمات جدید را وارد الگوی مصرف خود نموده است. لذا توصیه می شود که در صورت تصمیم دولت مبنی بر ادامه طرح در فاز دوم، به دو نکته زیر توجه شود:

۱. اعطای یارانه نقدی الگوی خانوارهای روستایی را تغییر داده و کالاهای جدیدی را به سبد مصرفی این خانوارها وارد کرده است که با توجه به نظریه اثر چرخ دنده ای مصرف، وقتی این خانواره ها به این سطح از مصرف عادت نمایند در برابر کاهش آن مقاومت می کنند. این در حالی است که در حال حاضر حجم تولیدات کشور توانایی پاسخگویی به تقاضای بازار را ندارد و واردات کالاها و خدمات نیز در اثر تحریم مختل شده است. بنابراین این تغییر الگوی مصرف ممکن است منجر به شوکهای قیمتی ناشی از ازدیاد طرف تقاضا شود.
۲. اثرات تخصیصی ناشی از تغییرات الگوی مصرف مذکور و تغییر حجم تقاضا در بخشهای مختلف، باعث می شود سطح تولید و میزان بکارگیری منابع در حوزه‌های مربوطه نیز تغییر کنند و تخصیص منابع به هم بریزد. بدین لحاظ ممکن است افزایش تقاضا برای کالاهای لوکسی همچون لوستر و مبلمان، منابع فعال در تولید کالاهای ضروری را به سمت این کالاها سوق دهد.

در مجموع نکات مطرح در این متن این ذهنیت را ایجاد می نماید که ادامه فاز دوم طرح هدفمندی با رویکرد توزیع یارانه نقدی مناسب نمی باشد و مجموعه مدیریت طرح مذکور باید به دنبال راهکارهای توزیعی یارانه بشکل غیر نقدی باشند.